

مخ ما اکسید گشت و سوختیم
بس که شیمی و فیزیک آموختیم
هی اسید و باز دعوا می کنند
خاک عالم بر سر ما می کنند
درس چون دایم در مغز ها رود
می شود فرار و فوری می رود
بارسنگین فیزیک لچ کرده است
اهرم مغز مرا کج کرده است
جبر و مجهولات آن در دست مخ
چهره ام دردست جبر زرد است و زرد
گر بخوانی ۲۰ بار این زیست را
باز هم هرگز نبینی ۲۰ را

از زمانی که عربی خوانده ام
لابه لای ریشه فعل مانده ام
از زبان خارجه آشفته ام
درپس زنگ زبان من خفته ام
تا مدیر ما زد زنگ خلاص
باشتاب من میگریزم از کلاس
تاریخ که شرح واقعیت هاست
شرحی که پر از مزخرفات است
الغرض الغرض ای دوستان من خسته ام
در کلاس چون مرغی پر بسته ام
دلنا دلم پر از ملال است
از بس که به زیر رادیکال است

آن رشته که نام آن ریاضیست
از سر کلک و حقه بازیست
ما را چه به جانور شناسی
از اسب و الاغ و خر شناسی
ما را چه گوش خر دراز است
یا چشم وزغ همیشه باز است
لعنت به برادران سینوس
تانزانت و کتانزانت و کسینوس
گر کس نکند تقلب امروز
او کره خر است نه دانش آموز